



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۲/۰۳

یونس نگاه

افغانستان طالبانی برای هیچکسی امن نخواهد بود

آقای حکمتیار که عمر سیاسی اش را در تبلیغ و ترویج افراطگرایی سپری کرده است، در سالهای اخیر بارها از حملات انتحاری در رسانهها دفاع نموده و در توجیه مرگ حمیده برمکی، شوهر و چهار کودکش که در حمله انتحاری یکی از اعضای حزب او در کابل کشته شدند، باری در مصاحبههای توجیهات مذهبی تراشید؛ اما دیروز گروهی از انتحاری ها به محل اقامت او هجوم بردند و برای گرفتن جان یکی از مبلغان و رهبران مشهور افراطگرایی به همان روشی که سالها تبلیغ کرده بود، تلاش ورزیدند. سوءقصد به جان آقای عبیدالرحمان نظامانی، سفیر پاکستان نیز اتفاق از آن دست است. او با ظاهر مفتیها و مولویهای پاکستانی، ریش یکقبضه ای و بروت های تراشیده، از کشوری نماینده گی می کند که تروریزم برجسته ترین برند سیاسی اش است، آن را به چهارسوی جهان صادر می کند و سالها محل پرورش و پناهگاه سازمان های تروریستی بوده است که از قفقاز تا سین کیانگ و از آنجا تا شبه جزیره عرب و شاخ افریقا آتش نفرت و جنگ تقسیم می کنند و پرخچه های آن آتشها در آرام ترین شهرهای غرب نیز گاهی شعله می کشد. اما اکنون او در محوطه سفارت پاکستان و در شهری که دست پرورده گان جهادی شان پارسال «فتح» کردند، امنیت ندارد.

آقای حکمتیار قبل از برگشت طالبان نیز مثل سایر سیاستمداران دوران جمهوریت اقامتگاهش را با دیوارهای سمندی احاطه کرده بود و محافظان بسیار از او نگهبانی می کردند. آن دیوارها و تدابیر امنیتی برای دور نگه داشتن دست قربانیان جنگها از یخن او و یا حفاظتش در برابر انتقام نیروهای غیرجهادی نبود، چرا که در این سالها انتحار و حملات خونبار تروریستی در انحصار گروه های افراطی مذهبی بوده است و آقای حکمتیار علی رعم آنکه خود چنین حملات را بر مخالفانش موجه می دانست، در عین حال آگاه بود که او می تواند هدف «مشروع» حمله انتحاری برادرانش باشد.

تروریزم و افراطگرایی پیروزی ندارد و بقایش در جنگ بی پایان است. اگر دشمن دیگری نماند، با خود درگیر می شود، در درونش دشمن می جوید و اعضای تن خودش را قلع و قمع می کند؛ چرا که افراطیت در پی همسان سازی و حذف تفاوتها است. در حالی که تفاوتها را پایان نیست. مصداق آن جنگ داعش و طالب است. با حذف نیروهای غیرطالبانی اکنون داعش، نیمه دیگر طالب، به دشمن «اصلی» امارت طالبانی بدل گردیده و تمام آنانی که داعشی نمی باشند، از طالب و اخوانی گرفته تا شیعه و صوفی هدف مشروع جهاد داعیشان شده اند. از همین روی، راه نجات ما افراطیت زدایی جامعه و ترویج دموکراسی و همپیری است. آنانی که چون حکمتیار افراطیت را تبلیغ می کنند و برای حملات انتحاری توجیه می تراشند، برای خود و فرزندان شان نیز سرنوشت خونین رقم می زنند.

پاکستان طی این سالها کوشیده است، طالبان را به خوب و بد تقسیم کند و کسانی را که در درون خاک آن کشور در پی جهاد بوده اند تروریست و طالبانی را که بیرون از آن کشور به همان کارها و بدتر از آنها اقدام می کرده اند، مجاهدان راه خدا و دوستان ستراتیژیک بخوانند. اکنون نشانه های آشکار از شعله ور شدن آتش تروریزم در دامن پاکستان دیده می شود و با تاسف رهبران نظامی و سیاسی آن کشور هنوز می کوشند، خود را لگامدار تروریزم جلوه دهند و با اعمال فشار بر طالبان افغانستان و نیز از طریق مذاکره و امتیازدهی مانع گسترش جنگ با خاک پاکستان گردند و تروریزم را به مسیر منافع منطقه ای و ستراتیژیک خود مدیریت کنند. اما هزاران طالب پاکستانی و افراطی های همسو با آنان به چشم سر دیدند چگونه همتایان افغان شان به خاطر داشتن پناهگاه و پشت جبهه سالها دوام آوردند و عاقبت کشوری را تسخیر کردند. اکنون که خود آنان صاحب پشت جبهه و پناهگاهی شده اند، آیا به آسانی و با امتیازات جزیی حاضر خواهند شد تا دست از جهاد برای فتح پاکستان بردارند؟

مهمترین درس قدرت گیری مجدد طالبان این است که افغانستان طالبانی برای هیچ کسی امن نخواهد بود و تروریزم ازینجا به کشورهای همسایه و منطقه لبریز خواهد شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی